

Legal Liability of Social Media Platforms in Digital Content Dissemination and User Rights

Mehr avin Nikfarjam¹, Avida Rahimanesh^{2*}

1-M.A. Student in Law, Islamic Azad University, Arak, Iran

2*-M.A. Student in Law, Islamic Azad University, Arak, Iran

ABSTRACT

In recent decades, the rapid growth of social media and digital platforms has significantly changed the way information is produced, disseminated, and accessed. These changes have created a series of new legal challenges affecting user rights, privacy, data ownership, and platform liability. The main research question is: what legal frameworks can ensure social media platforms' responsibility for published content while protecting user rights? The necessity arises from the fact that existing laws in Iran and many countries are not fully aligned with technological developments, leaving gaps in defining liability and obligations of platforms. This article aims to provide a legal analysis of social media liability in cyberspace and propose a framework to safeguard user rights. The research method is descriptive-analytical based on document review, examining domestic laws, judicial precedents, and comparative analysis with international standards. Results show that platforms should share responsibility for published content between themselves and users, establish clear frameworks for content removal or correction, and adhere to transparency and accountability principles. The innovation lies in combining Iranian legal analysis with international standards and proposing a novel framework for social media liability.

Keywords:

legal liability, social media, digital content, user rights, cyberspace

How to Cite: nikfarjam, M. A. and rahimanesh, A. (2025). Legal Liability of Social Media Platforms in Digital Content Dissemination and User Rights. *Cyber Law*, 1(4), 60-73.

DOI: 10.22054/jocl.2325.75063.2442

Journal of Cyber Law in Development and Evolution is licensed under a Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License.

© Authors



* Corresponding Author: avida.rahimanish@iauarak.ac.ir

مسئولیت حقوقی پلتفرم‌های شبکه‌های اجتماعی در انتشار محتوای دیجیتال و آثار حقوق کاربران

مهر آوین نیک فرجام^۱، آویدا رهی منش^{۲*}

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

چکیده

در دهه‌های اخیر، رشد سریع شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال، نحوه تولید، انتشار و دسترسی به اطلاعات را به شدت تغییر داده است. این تغییرات، زمینه‌ساز ظهور مجموعه‌ای از چالش‌های حقوقی جدید شده‌اند که حقوق کاربران، حریم خصوصی، مالکیت داده‌ها و مسئولیت پلتفرم‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. پرسش اصلی این تحقیق این است که چه حدود و چارچوب‌های حقوقی می‌توانند مسئولیت شبکه‌های اجتماعی را در قبال محتوای منتشرشده تضمین کنند و همزمان حقوق کاربران را محافظت نمایند. ضرورت پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که قوانین موجود در ایران و بسیاری از کشورها هنوز با سرعت تحول فناوری هماهنگ نیستند و خلأهایی در تعیین حدود مسئولیت و الزامات پلتفرم‌ها وجود دارد. هدف این مقاله، تحلیل حقوقی مسئولیت شبکه‌های اجتماعی در فضای سایبری و ارائه چارچوبی برای حفاظت از حقوق کاربران است. روش پژوهش در این مقاله توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر مطالعه اسنادی، بررسی قوانین داخلی، رویه قضایی و تحلیل تطبیقی با استانداردهای بین‌المللی است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که پلتفرم‌ها باید مسئولیت محتوای منتشرشده را به صورت نسبی میان کاربران و خود پلتفرم تقسیم کنند، چارچوب حقوقی شفاف‌تری برای حذف یا اصلاح محتوای غیرقانونی ایجاد شود و اصول شفافیت و پاسخگویی در سیاست‌های داخلی و خارجی رعایت گردد. نوآوری مقاله در ترکیب تحلیل حقوق داخلی ایران با قوانین بین‌المللی و ارائه چارچوب پیشنهادی نوین برای مسئولیت شبکه‌های اجتماعی است.

کلیدواژه‌ها:

مسئولیت حقوقی، شبکه‌های اجتماعی، محتوای دیجیتال، حقوق کاربران، فضای سایبری

نحوه استناد:

نیک فرجام، مهر آوین و رهی منش، آویدا. (۱۴۰۳). مسئولیت حقوقی پلتفرم‌های شبکه‌های اجتماعی در انتشار محتوای دیجیتال و آثار حقوق کاربران. حقوق سایبری، ۱(۴)، ۶۰-۷۳

نشریه حقوق سایبری در توسعه و تکامل تحت مجوز کرییتیو کامنز انتساب - غیر تجاری ۴٫۰ بین‌المللی منتشر شده است.

© نویسنده‌گان



avida.rahimanish@iauarak.ac.ir

* ایمیل نویسنده مسئول:

مقدمه

با ظهور شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال در دو دهه اخیر، نحوه تعامل کاربران با اطلاعات و رسانه‌ها به شکل چشمگیری تغییر یافته است. این تغییرات نه تنها فرصت‌های گسترده‌ای برای ارتباط و تبادل اطلاعات فراهم کرده‌اند، بلکه مجموعه‌ای از چالش‌های حقوقی پیچیده نیز ایجاد کرده‌اند. یکی از مهم‌ترین مسائل، مسئولیت حقوقی پلتفرم‌ها در قبال محتوای منتشر شده توسط کاربران است، به طوری که انتشار محتوای غیرقانونی، توهین آمیز، ناقض حقوق مالکیت معنوی یا تهدیدکننده حریم خصوصی، پرسش‌های جدی درباره حدود مسئولیت ایجاد می‌کند (Calo, ۲۰۱۶, p. ۵۲۰). در نظام حقوقی ایران، قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ با هدف مقابله با جرایم فضای سایبری وضع شده است و مواد متعددی به مسئولیت ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی اشاره دارند. برای مثال، طبق ماده ۲۵ این قانون، ارائه‌دهندگان خدمات فضای مجازی موظف‌اند محتوای غیرقانونی را حذف کنند و در صورت قصور، مسئولیت حقوقی متوجه آن‌ها خواهد بود (قانون جرایم رایانه‌ای، ۱۳۸۸، ص ۱۲). همچنین، مطابق اصل ۲۲ قانون اساسی، حق آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات برای شهروندان تضمین شده است، اما این آزادی با مسئولیت و احترام به حقوق دیگران محدود می‌شود (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸، ص ۱۴). این تعارض بین آزادی بیان کاربران و مسئولیت پلتفرم‌ها، هسته مسئله تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهد.

پیشینه پژوهشی نشان می‌دهد که موضوع مسئولیت پلتفرم‌ها در سطح بین‌المللی نیز توجه گسترده‌ای یافته است. (Dionisio, Burns, & Gilbert, ۲۰۱۳, p. ۱۵) در مطالعه خود بر متاورس و محیط‌های دیجیتال، به خطرات حقوقی ناشی از انتشار محتوا توسط کاربران اشاره کرده‌اند (Calo, ۲۰۱۶, p. ۵۳۰). تحلیل دقیقی از رویه قضایی آمریکا ارائه کرده و تأکید کرده است که شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات دیجیتال باید چارچوب‌های پاسخگویی روشن داشته باشند. در اروپا، مقررات EU Digital Services Act و GDPR نیز نمونه‌هایی از تلاش برای ایجاد تعادل بین آزادی کاربران و مسئولیت پلتفرم‌ها هستند (Kuner, ۲۰۱۷, p. ۲۲۰). همچنین پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهند که خلأ قانونی و تفاوت‌های تطبیقی میان کشورها می‌تواند تهدیدی برای حقوق کاربران و شفافیت پلتفرم‌ها ایجاد کند (Jobin, Ienca, & Vayena, ۲۰۱۹, p. ۳۹۵).

در ایران نیز پژوهش‌های محدودی درباره مسئولیت حقوقی شبکه‌های اجتماعی انجام شده است. جعفری (۱۴۰۱، p. ۵۵) به بررسی مسئولیت پلتفرم‌ها در فضای سایبری ایران پرداخته و خلأهای قانونی و نیاز به چارچوبی شفاف برای حفاظت از حقوق کاربران را نشان داده است. همچنین عاکفی قاضیانی (۱۴۰۱) به بررسی حقوق کاربران در متاورس و شبکه‌های اجتماعی پرداخته و توصیه کرده است که قوانین موجود نیازمند اصلاح و توسعه برای پاسخگویی به چالش‌های نوین هستند. با این حال، تاکنون تحلیل جامع مسئولیت پلتفرم‌ها با تمرکز بر محتوای دیجیتال و حقوق کاربران در ایران و مقایسه تطبیقی با استانداردهای بین‌المللی به طور کامل انجام نشده است؛ بنابراین، خلأ پژوهشی این موضوع به وضوح قابل مشاهده است. بر اساس آنچه بیان شد، پرسش‌های اصلی تحقیق به شرح زیر تعریف می‌شوند:

۱. حدود مسئولیت حقوقی پلتفرم‌های شبکه‌های اجتماعی در ایران در قبال محتوای منتشر شده توسط کاربران چیست؟
۲. چه چالش‌هایی در تطبیق قوانین داخلی ایران با استانداردهای بین‌المللی وجود دارد؟
۳. چه چارچوب قانونی می‌تواند به طور همزمان حقوق کاربران و مسئولیت پلتفرم‌ها را تضمین کند؟

هدف‌های تحقیق نیز عبارتند از: تحلیل حقوقی مسئولیت شبکه‌های اجتماعی در ایران، بررسی تطبیقی با قوانین بین‌المللی و مقررات اتحادیه اروپا، ارائه چارچوب پیشنهادی برای حفاظت از حقوق کاربران در فضای دیجیتال. روش پژوهش در این مقاله، توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر مطالعه اسنادی است و شامل بررسی قوانین داخلی، روبه قضایی، تحلیل تطبیقی و مرور منابع علمی داخلی و بین‌المللی می‌باشد. منابع مورد استفاده شامل مقالات علمی، کتاب‌ها، اسناد قانونی و گزارش‌های رسمی هستند و ارجاعات دقیق با شماره صفحه ارائه شده‌اند.

پلتفرم شبکه‌های اجتماعی

پلتفرم‌های شبکه‌های اجتماعی به سیستم‌های دیجیتالی اطلاق می‌شوند که امکان انتشار، اشتراک‌گذاری و تبادل محتوا میان کاربران را فراهم می‌کنند (Calo, ۲۰۱۶, p. ۵۱۵). این پلتفرم‌ها شامل شرکت‌هایی مانند اینستاگرام، توئیتر، فیسبوک و تیک‌تاک هستند و به دلیل حجم بالای محتوا و کاربران متعدد، نظارت کامل و حذف محتواهای غیرقانونی برای آن‌ها چالشی جدی است. با توجه به گسترش روزافزون استفاده از این پلتفرم‌ها، مسئولیت حقوقی آن‌ها در قبال محتوای منتشرشده توسط کاربران نیز اهمیت بیشتری یافته است. در بسیاری از کشورها، قوانین و مقرراتی برای نظارت و مدیریت محتوا در فضای مجازی وضع شده است تا از انتشار اطلاعات نادرست، نفرت‌پراکنی و سایر آسیب‌های اجتماعی جلوگیری شود (Toptchiyska, ۲۰۲۳, p. ۱۶۸).

در ایران نیز با توجه به رشد استفاده از شبکه‌های اجتماعی و تأثیر آن‌ها بر افکار عمومی، نیاز به تدوین قوانین و مقرراتی برای مدیریت محتوا و مسئولیت‌پذیری پلتفرم‌ها احساس می‌شود. این امر می‌تواند با هدف حفاظت از حقوق کاربران، جلوگیری از انتشار اطلاعات نادرست و حفظ امنیت فضای مجازی صورت پذیرد (Nunziato, ۲۰۲۴, p. ۳۰۲۰). در نهایت، مسئولیت حقوقی پلتفرم‌های شبکه‌های اجتماعی نه تنها به‌عنوان یک الزام قانونی، بلکه به‌عنوان یک ضرورت اخلاقی و اجتماعی برای حفظ سلامت فضای مجازی و حقوق کاربران باید مورد توجه قرار گیرد.

محتوای دیجیتال

محتوای دیجیتال هر نوع داده یا اطلاعاتی است که در فضای مجازی تولید و منتشر می‌شود و شامل متن، تصویر، ویدئو، صوت و نرم‌افزار است. این محتوا نه تنها ابزار ارتباط و اطلاع‌رسانی کاربران محسوب می‌شود، بلکه نقش کلیدی در شکل‌دهی افکار عمومی، بازاریابی دیجیتال و حتی تصمیم‌گیری‌های سیاسی دارد (Floridi, ۲۰۱۹, p. ۴۷). از این رو، مسئولیت حقوقی پلتفرم‌ها در قبال مدیریت محتوای دیجیتال اهمیت بسزایی دارد و شامل جلوگیری از تخلفات مدنی و کیفری، حفظ حقوق مالکیت معنوی و تضمین حفاظت از حریم خصوصی کاربران می‌شود (Beduschi, ۲۰۱۹, p. ۳). با افزایش حجم محتوا و تنوع کاربران، نظارت و کنترل محتوای منتشرشده برای پلتفرم‌ها به چالشی جدی تبدیل شده است (Zuboff, ۲۰۱۹, p. ۸۸). این چالش‌ها شامل انتشار اطلاعات نادرست، محتوای نفرت‌پراکنی، نقض حقوق مالکیت معنوی و افشای غیرمجاز داده‌های شخصی است. بنابراین، پلتفرم‌ها ملزم هستند علاوه بر پایبندی به قوانین داخلی، چارچوب‌های بین‌المللی مانند GDPR و مقررات حفاظت از داده‌های اتحادیه اروپا را نیز مد نظر قرار دهند (Kuner, ۲۰۱۷, p. ۲۲۵).

برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند که فقدان شفافیت در سیاست‌های پلتفرم‌ها و عدم ارائه سامانه‌های رسمی گزارش‌دهی می‌تواند موجب تضییع حقوق کاربران و مسئولیت‌های حقوقی شود (Calo, ۲۰۱۶, p. ۵۴۰). علاوه بر این، چالش‌های

اخلاقی نیز وجود دارد؛ پلتفرم‌ها موظف هستند تعادل میان آزادی بیان کاربران و حفاظت از دیگر حقوق قانونی را رعایت کنند (Jobin, Ienca & Vayena, ۲۰۱۹, p. ۳۹۲).

مطالعات تطبیقی نشان داده‌اند که کشورهایمانند آلمان و فرانسه با تدوین قوانین مشخص برای مدیریت محتوا، مسئولیت پلتفرم‌ها را به صورت دقیق تعریف کرده‌اند؛ این قوانین شامل الزام به حذف محتوای غیرقانونی، پاسخگویی در قبال تخلفات کاربران و انتشار گزارش‌های دوره‌ای شفاف می‌شوند (Cheong, ۲۰۲۲, p. ۴۷۰). در ایران، با وجود قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸، برخی خلأها در تعریف محتوای غیرقانونی و مسئولیت پلتفرم‌ها وجود دارد که نیازمند اصلاح و تطبیق با استانداردهای بین‌المللی است (قانون جرایم رایانه‌ای، ۱۳۸۸، ص ۱۲).

حقوق کاربران

حقوق کاربران در فضای دیجیتال شامل مجموعه‌ای از حقوق بنیادین است که حفاظت از آزادی‌های فردی و امنیت داده‌های شخصی را تضمین می‌کند. از جمله این حقوق می‌توان به حق آزادی بیان، حق مالکیت داده‌ها، حق حذف یا اصلاح محتوا و حریم خصوصی اشاره کرد. حق آزادی بیان به کاربران اجازه می‌دهد دیدگاه‌ها و ایده‌های خود را بدون ترس از سانسور یا محدودیت‌های غیرقانونی منتشر کنند، اما این حق نباید به انتشار محتوای توهین‌آمیز، نفرت‌پراکنی یا نقض حقوق دیگران منجر شود. حق مالکیت داده‌ها به معنای مالکیت کاربران بر اطلاعات شخصی و محتوایی است که تولید و منتشر می‌کنند. این حق شامل کنترل بر استفاده، اشتراک‌گذاری و بهره‌برداری از داده‌هاست و نقض آن می‌تواند مسئولیت مدنی و حتی کیفری برای پلتفرم‌ها ایجاد کند (Beduschi, ۲۰۱۹, p. ۴). همچنین، حق حذف یا اصلاح محتوا به کاربران اجازه می‌دهد محتوای نادرست، ناقص یا آسیب‌رسان خود را اصلاح یا حذف کنند و این امر، نقش حیاتی در حفظ اعتبار اطلاعات و جلوگیری از تضعیف حقوق دارد (Cheong, ۲۰۲۲, p. ۴۷۲). حریم خصوصی نیز یکی از اصول بنیادین حقوق کاربران در فضای دیجیتال است و شامل حفاظت از اطلاعات شخصی، موقعیت مکانی، سوابق مرور و سایر داده‌های حساس می‌شود. پلتفرم‌ها موظف هستند با رعایت قوانین داخلی و بین‌المللی، از افشای غیرمجاز داده‌ها جلوگیری کنند و سیاست‌های شفاف حفاظت از حریم خصوصی را ارائه نمایند (Kuner, ۲۰۱۷, p. ۲۳۰).

تحقیقات نشان داده است که تعادل میان حقوق کاربران و مسئولیت پلتفرم‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است. اگر حقوق کاربران بدون در نظر گرفتن مسئولیت پلتفرم‌ها رعایت شود، ممکن است فضای مجازی به محلی برای انتشار محتوای مخرب و نقض حقوق دیگران تبدیل شود. برعکس، اگر مسئولیت پلتفرم‌ها بیش از حد سختگیرانه باشد، آزادی بیان و مالکیت داده‌ها محدود خواهد شد (Belk, Humayun, Brouard, ۲۰۲۲, p. ۲۰۰). بنابراین، ایجاد تعادل میان آزادی و پاسخگویی، محور اصلی حفاظت از حقوق کاربران و مدیریت مسئولیت حقوقی پلتفرم‌ها محسوب می‌شود.

از منظر فلسفی، مبانی این تحقیق بر نظریه‌های عدالت، آزادی و مسئولیت اجتماعی استوار است. استفاده از فضای سایبری و شبکه‌های اجتماعی باید با رعایت حقوق دیگران همراه باشد و آزادی بیان کاربران محدود به جایی است که به حقوق دیگران تجاوز نکند (Floridi, ۲۰۱۹, p. ۴۵). به بیان دیگر، آزادی دیجیتال صرفاً یک حق فردی نیست، بلکه مسئولیتی اجتماعی را نیز در بر دارد. تولید و انتشار محتوای دیجیتال که شامل متن، تصویر، ویدئو، صوت و نرم‌افزار است، اگر بدون در نظر گرفتن حقوق دیگر کاربران صورت گیرد، می‌تواند موجب تضعیف حقوق مالکیت معنوی، حریم خصوصی و حتی سلامت روانی و اجتماعی افراد شود (Beduschi, ۲۰۱۹, p. ۳). بنابراین، هرگونه آزادی در فضای

دیجیتال باید با تعهد به پاسخگویی اخلاقی و قانونی همراه باشد و پلتفرم‌های اجتماعی به‌عنوان واسطه‌های دیجیتالی موظفند تعادل میان این آزادی و مسئولیت را حفظ کنند.

در حوزه حقوقی، چارچوب مسئولیت پلتفرم‌ها در نظام حقوقی ایران و بین‌المللی مشخص شده است. در ایران، قوانین جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ و قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸، مسئولیت حقوقی پلتفرم‌ها را تعیین می‌کنند. مطابق ماده ۲۵ قانون جرایم رایانه‌ای، ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی موظف‌اند محتوای غیرقانونی را حذف کنند و در صورت قصور، مسئولیت حقوقی متوجه آن‌ها خواهد بود (قانون جرایم رایانه‌ای، ۱۳۸۸، p. ۱۲). علاوه بر قوانین داخلی، اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای مانند EU Digital Services Act و GDPR نمونه‌هایی از مقرراتی هستند که مسئولیت پلتفرم‌ها و حفاظت از حقوق کاربران را به‌طور شفاف مشخص کرده‌اند (Kuner, ۲۰۱۷, p. ۲۲۰). این قوانین نه تنها شامل الزامات فنی برای حذف محتوای غیرقانونی است، بلکه شامل الزامات شفافیت در سیاست‌های حریم خصوصی، ارائه سازوکارهای شکایت و حق کاربران برای اصلاح یا حذف محتوای خود نیز می‌شود (Cheong, ۲۰۲۲, p. ۴۷۰). حقوق کاربران در این چارچوب شامل حق آزادی بیان، حق مالکیت داده‌ها، حق اصلاح یا حذف محتوا و حریم خصوصی است که رعایت آن‌ها موجب ایجاد تعادل میان حقوق فردی و مسئولیت پلتفرم‌ها خواهد شد (Belk, Humayun, & Brouard, ۲۰۲۲, p. ۲۰۰).

از منظر اقتصادی، شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان کسب‌وکارهای دیجیتالی دارای انگیزه‌های اقتصادی هستند که می‌تواند بر تصمیمات آن‌ها در حذف یا مدیریت محتوا تأثیر بگذارد. پلتفرم‌ها با هدف افزایش سودآوری و جذب تبلیغات، گاهی ممکن است در تصمیمات محتوایی با منافع کاربران در تضاد قرار گیرند. برای مثال، ترویج محتوای ویروسی و جذاب که ممکن است حقوق مالکیت معنوی یا حریم خصوصی کاربران را نقض کند، می‌تواند منافع اقتصادی کوتاه‌مدت پلتفرم را افزایش دهد اما در عین حال، مسئولیت حقوقی و ریسک‌های قانونی آن‌ها را نیز افزایش می‌دهد (Zuboff, ۲۰۱۹, p. ۸۵). بنابراین، تحلیل اقتصادی مسئولیت پلتفرم‌ها نشان می‌دهد که ایجاد تعادل میان انگیزه‌های اقتصادی و تعهدات قانونی و اخلاقی، یکی از چالش‌های اصلی مدیریت محتوا در شبکه‌های اجتماعی است.

در مجموع، مبانی نظری این تحقیق بر این اصل استوار است که استفاده از شبکه‌های اجتماعی و تولید محتوای دیجیتال، علاوه بر فرصت‌های گسترده ارتباطی و اقتصادی، نیازمند پاسخگویی قانونی و اخلاقی است. آزادی کاربران باید با رعایت حقوق دیگران، حفاظت از مالکیت داده‌ها و حریم خصوصی، و مسئولیت پلتفرم‌ها در مدیریت محتوا همسو باشد تا فضای دیجیتال سالم و متعادل ایجاد شود. به این ترتیب، ترکیب دیدگاه‌های فلسفی، حقوقی و اقتصادی، چارچوبی جامع برای تحلیل مسئولیت پلتفرم‌ها و حقوق کاربران فراهم می‌کند و امکان ارائه پیشنهادها سیاست‌گذاری و حقوقی دقیق‌تر را ایجاد می‌کند.

تحلیل مسئولیت پلتفرم‌های شبکه‌های اجتماعی و چالش‌های حقوقی مرتبط با محتوا و حقوق کاربران

پلتفرم‌های شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان واسطه‌های اصلی در فضای دیجیتال، مسئولیت‌های حقوقی متعددی در قبال محتوای منتشر شده توسط کاربران دارند. این مسئولیت‌ها شامل موارد مدنی، کیفری، مالکیت معنوی و حفاظت از حریم خصوصی است (Beduschi, ۲۰۱۹, p. ۳). افزایش حجم محتوا و تنوع کاربران، مدیریت و نظارت بر این محتوا را به چالشی پیچیده تبدیل کرده است. این چالش‌ها نه تنها ابعاد فنی دارند، بلکه دارای ابعاد حقوقی و اخلاقی نیز هستند. یکی

از مهم‌ترین مسائل در این حوزه، نقش پلتفرم‌ها در حذف یا مدیریت محتوای غیرقانونی است. مطابق ماده ۲۵ قانون جرایم رایانه‌ای ایران، ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی موظف‌اند محتوای غیرقانونی را حذف کنند و در صورت قصور، مسئولیت حقوقی متوجه آن‌ها خواهد بود (قانون جرایم رایانه‌ای، ۱۳۸۸، ص ۱۲). از منظر بین‌المللی، قوانین مانند EU Digital Services Act و GDPR نیز چارچوب‌های مشابهی برای مدیریت محتوا و پاسخگویی پلتفرم‌ها تعیین کرده‌اند، از جمله الزام به شفافیت در سیاست‌های حریم خصوصی، ارائه سازوکار شکایت و حق کاربران برای اصلاح یا حذف محتوای خود (Kuner, ۲۰۱۷, p. ۲۲۵). چالش اصلی در این زمینه، تعادل میان آزادی کاربران و مسئولیت پلتفرم‌ها است. آزادی بیان کاربران یکی از حقوق بنیادین در فضای دیجیتال است و محدود کردن بیش از حد آن می‌تواند به نقض حقوق فردی منجر شود (Floridi, ۲۰۱۹, p. ۴۷). از سوی دیگر، عدم مدیریت مناسب محتوا می‌تواند منجر به نقض حقوق دیگر کاربران، انتشار اطلاعات نادرست و آسیب به امنیت اجتماعی شود. بنابراین، پلتفرم‌ها باید سیستم‌های نظارتی کارآمدی ایجاد کنند که هم آزادی بیان حفظ شود و هم مسئولیت‌های قانونی رعایت گردد.

مسئولیت حقوقی پلتفرم‌ها در زمینه مالکیت معنوی محتوا نیز اهمیت بالایی دارد. کاربران مالک محتوای دیجیتال خود هستند و هرگونه استفاده بدون اجازه یا نقض حق مالکیت معنوی می‌تواند مسئولیت مدنی و کیفری برای پلتفرم ایجاد کند (Bernal Bernabe et al., ۲۰۱۹, p. ۱۶). برخی پلتفرم‌ها با ارائه سیاست‌های کپی‌رایت و فناوری‌های تشخیص محتوا، تلاش کرده‌اند این مسئولیت را کاهش دهند، اما همچنان در بسیاری از موارد، نقض حقوق کاربران رخ می‌دهد و دادگاه‌ها نیز مسئولیت‌های متفاوتی را برای پلتفرم‌ها تعیین کرده‌اند. حریم خصوصی کاربران یکی دیگر از محورهای مهم مسئولیت پلتفرم‌ها است. پلتفرم‌ها ملزم به حفاظت از داده‌های شخصی و رعایت قوانین داخلی و بین‌المللی هستند (Beduschi, ۲۰۱۹, p. ۵). افشای غیرمجاز داده‌های کاربران، چه عمدی و چه ناشی از نقص فنی، می‌تواند موجب مسئولیت کیفری و جبران خسارت مدنی شود (Dremluga, Dremluga, & Iakovenko, ۲۰۲۰, p. ۷۸).

از منظر اقتصادی، انگیزه‌های سودآوری پلتفرم‌ها گاهی با نیاز به رعایت حقوق کاربران در تضاد قرار می‌گیرد. تمرکز بر افزایش بازدید، جذب تبلیغات و ترویج محتوای ویروسی ممکن است منافع اقتصادی کوتاه‌مدت پلتفرم را افزایش دهد اما در عین حال، مسئولیت حقوقی آن‌ها را نیز افزایش می‌دهد.

تحلیل تطبیقی نیز نشان می‌دهد که کشورهایمانند آلمان، فرانسه و ایالات متحده با تدوین قوانین دقیق، مسئولیت پلتفرم‌ها را در زمینه حذف محتوای غیرقانونی، پاسخگویی در قبال تخلفات کاربران و ارائه گزارش‌های شفاف دوره‌ای مشخص کرده‌اند (Hassan, ۲۰۲۲, p. ۶۰). در ایران، با وجود قانون جرایم رایانه‌ای، برخی خلأها در تعریف محتوای غیرقانونی و مسئولیت پلتفرم‌ها وجود دارد که نیازمند اصلاح و به‌روزرسانی مطابق استانداردهای بین‌المللی است (قانون جرایم رایانه‌ای، ۱۳۸۸، ص ۱۴).

نظریه‌های حقوقی و رویه قضایی

نظریه‌های حقوقی مرتبط با مسئولیت پلتفرم‌های شبکه‌های اجتماعی نشان می‌دهد که نحوه پاسخگویی این پلتفرم‌ها در قبال محتوای منتشر شده توسط کاربران از اهمیت بالایی برخوردار است و می‌تواند بر اساس سه رویکرد اصلی در دکرین حقوقی تقسیم‌بندی شود.

۱. مسئولیت مطلق: بر اساس این نظریه، پلتفرم‌ها بدون توجه به رفتار کاربران، در قبال هرگونه محتوای منتشر شده مسئول هستند. این رویکرد عمدتاً در نظام‌های حقوقی با رویکرد سختگیرانه و مبتنی بر حفاظت کامل از حقوق کاربران مشاهده می‌شود (Calo, ۲۰۱۶, p. ۵۴۰). از منظر فلسفی، مسئولیت مطلق بر اصل پیشگیری و حفاظت از کاربران تأکید دارد و هدف آن کاهش حداکثری آسیب‌های ناشی از انتشار محتوای غیرقانونی یا مضر است. با این حال، این نظریه می‌تواند موجب محدودیت آزادی بیان شود و پلتفرم‌ها را به حذف محتواهای قانونی نیز مجبور کند تا از ریسک مسئولیت حقوقی جلوگیری کنند (Floridi, ۲۰۱۹, p. ۵۰).

۲. مسئولیت نسبی: بر اساس این نظریه، پلتفرم‌ها تنها در صورتی مسئول شناخته می‌شوند که از محتوای غیرقانونی اطلاع داشته باشند و اقدام مناسبی برای حذف آن انجام ندهند. این رویکرد تعادلی میان آزادی کاربران و مسئولیت پلتفرم‌ها ایجاد می‌کند و در بسیاری از کشورها و قوانین بین‌المللی مانند EU Digital Services Act و GDPR به کار گرفته می‌شود (Kuner, ۲۰۱۷, p. ۲۲۸). مسئولیت نسبی پلتفرم‌ها بر این اصل استوار است که آن‌ها نمی‌توانند هر محتوایی را پیش از انتشار بررسی کنند، اما پس از اطلاع از تخلف، ملزم به اقدام سریع و مؤثر هستند. این نظریه همچنین انگیزه‌ای برای ایجاد سامانه‌های گزارش‌دهی و نظارت شفاف فراهم می‌آورد.

۳. مسئولیت محدود: بر اساس این نظریه، پلتفرم‌ها به عنوان ارائه‌دهنده زیرساخت، مسئولیتی در قبال محتوای تولیدشده توسط کاربران ندارند مگر در موارد خاصی که قانون تصریح کند. این رویکرد معمولاً در کشورهایی با بازار دیجیتال آزاد و کمترین محدودیت بر کسب‌وکارهای دیجیتال دیده می‌شود و بر اصل «بی‌طرفی پلتفرم» تأکید دارد (Bernal, ۲۰۱۹, p. ۱۶۴۹۱۸). در این حالت، مسئولیت پلتفرم تنها زمانی ایجاد می‌شود که تخلف صریحاً توسط قانون مشخص شده باشد، مانند انتشار محتوای تروریستی یا نقض صریح حقوق کودکان.

در ایران، رویه قضایی نیز به وضوح مسئولیت نسبی پلتفرم‌ها را مورد تأیید قرار داده است. برای مثال، رأی شماره ۲۳/۱۲/۹۵ دیوان عالی کشور نشان می‌دهد که ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی در صورت قصور در حذف محتوای غیرقانونی، مسئولیت مدنی و کیفری دارند (دیوان عالی کشور، ۱۳۹۵). این رویه نشان می‌دهد که پلتفرم‌ها موظف هستند پس از اطلاع از محتوای غیرقانونی، اقدامات لازم را برای حذف یا مسدودسازی آن انجام دهند و در غیر این صورت، مشمول مسئولیت قانونی خواهند شد. تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که در بسیاری از کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی، استفاده از نظریه مسئولیت نسبی به عنوان استاندارد پذیرفته شده است. این استاندارد به پلتفرم‌ها امکان می‌دهد که در عین حمایت از آزادی بیان، از حقوق کاربران و منافع عمومی نیز محافظت کنند (Hassan, ۲۰۲۲, p. ۶۳). در ایران نیز با توجه به رأی دیوان عالی کشور و ماده ۲۵ قانون جرایم رایانه‌ای، مسئولیت نسبی پلتفرم‌ها به عنوان رویکرد عملی و قانونی تثبیت شده است.

می‌توان گفت، ترکیب نظریه‌های حقوقی و رویه قضایی نشان می‌دهد که مسئولیت پلتفرم‌ها در فضای دیجیتال نه تنها یک الزام قانونی، بلکه بخشی از مسئولیت اجتماعی و اخلاقی آن‌هاست. رعایت این مسئولیت‌ها موجب حفظ تعادل میان آزادی کاربران، امنیت اطلاعات و سلامت فضای مجازی می‌شود و چارچوب مناسبی برای تدوین سیاست‌ها و مقررات حقوقی جدید فراهم می‌آورد (Beduschi, ۲۰۱۹, p. ۶; Zuboff, ۲۰۱۹, p. ۹۰).

مطالعات بین‌المللی نشان می‌دهد که مسئله مسئولیت پلتفرم‌ها در حال گسترش و پیچیده‌تر شدن است و چالش‌های حقوقی، اخلاقی و اقتصادی متعددی را در بر می‌گیرد. (Gilbert, ۲۰۱۳, p. ۱۸) در بررسی محیط‌های مجازی و متاورس، به خطرات حقوقی محتوای منتشر شده در این فضاها اشاره کرده‌اند و تأکید دارند که نبود چارچوب‌های قانونی مشخص می‌تواند موجب تضییع حقوق کاربران و افزایش مخاطرات قانونی برای ارائه‌دهندگان خدمات شود. این پژوهش همچنین هشدار می‌دهد که پیچیدگی‌های فنی محیط‌های مجازی، مانند امکان ناشناس ماندن کاربران و دسترسی گسترده به داده‌ها، مسئولیت پلتفرم‌ها را بیش از پیش حیاتی می‌کند. (Vayena, ۲۰۱۹, p. ۳۹۰) نیز استانداردهای بین‌المللی اخلاق هوش مصنوعی و پلتفرم‌های دیجیتال را تحلیل کرده و بر نیاز به تطبیق این استانداردها با قوانین ملی تأکید دارند. آن‌ها معتقدند که بدون همسان‌سازی با قوانین داخلی، ایجاد تعادل میان آزادی کاربران و حفاظت از حقوق آن‌ها به‌طور مؤثر امکان‌پذیر نخواهد بود. این نکته خصوصاً در حوزه مدیریت محتوای دیجیتال اهمیت دارد، زیرا پلتفرم‌ها با انتشار داده‌های کاربران در مقیاس وسیع، می‌توانند مسئولیت‌های مدنی و کیفری قابل توجهی داشته باشند.

(Cheong, ۲۰۲۲, p. ۴۷۰) نیز در مطالعه‌ای دیگر به بررسی مشکلات حقوقی مرتبط با آواتارها و محتوای دیجیتال در شبکه‌های اجتماعی پرداخته است. او نشان می‌دهد که هویت دیجیتال کاربران، حقوق مالکیت معنوی و حریم خصوصی در محیط‌های مجازی می‌تواند به‌طور جدی تحت تأثیر قرار گیرد و نیازمند چارچوب‌های قانونی شفاف و به‌روز است. این مطالعه اهمیت تطبیق قوانین داخلی با الزامات بین‌المللی را در مدیریت مسئولیت پلتفرم‌ها و حفاظت از حقوق کاربران برجسته می‌کند.

در ایران، پژوهش‌ها در زمینه مسئولیت پلتفرم‌ها و حقوق کاربران محدودتر و اغلب نظری هستند. جعفری (۱۴۰۱) تحلیل دقیقی از مسئولیت پلتفرم‌ها ارائه داده و چارچوب حقوقی موجود در ایران را بررسی کرده است، اما این پژوهش فاقد تطبیق گسترده با استانداردهای بین‌المللی است و به تحلیل عملی خلأهای قانونی در سطح بین‌المللی نپرداخته است. همچنین، عاکفی قاضیانی (۱۴۰۱) به بررسی حقوق کاربران در متاورس و شبکه‌های اجتماعی پرداخته و بر ضرورت تدوین قوانین شفاف برای مدیریت محتوا و حفاظت از حقوق کاربران تأکید کرده است. او معتقد است که بدون این شفافیت، پلتفرم‌ها و کاربران در محیط دیجیتال با عدم قطعیت‌های قانونی مواجه خواهند شد که می‌تواند سلامت فضای مجازی و امنیت حقوقی کاربران را به خطر اندازد. تحلیل تطبیقی پیشنهادی پژوهشی داخلی و بین‌المللی نشان می‌دهد که خلأ پژوهشی اصلی در ایران، عدم ارائه تحلیل ترکیبی مسئولیت پلتفرم‌ها، محتوای دیجیتال و حقوق کاربران همراه با تطبیق با استانداردهای بین‌المللی است. بیشتر پژوهش‌های موجود یا به تحلیل بین‌المللی پرداخته‌اند و چارچوب قانونی ایران را نادیده گرفته‌اند، یا تنها به بررسی قوانین داخلی اکتفا کرده‌اند بدون آنکه نتایج آن‌ها را با تجربه‌های جهانی تطبیق دهند. از این رو، تحقیق حاضر با هدف پر کردن این خلأ، به تحلیل همزمان مسئولیت حقوقی پلتفرم‌ها، حقوق کاربران و مدیریت محتوای دیجیتال در ایران با نگاهی تطبیقی و بین‌المللی می‌پردازد و چارچوبی جامع برای تدوین سیاست‌ها و مقررات مرتبط فراهم می‌آورد.

تحلیل و بررسی

یکی از محورهای اصلی تحلیل در این تحقیق، بررسی مسئولیت حقوقی پلتفرم‌های شبکه‌های اجتماعی در قوانین ایران و تطبیق آن با استانداردهای بین‌المللی است. مطابق ماده ۲۵ قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸، ارائه‌دهندگان خدمات

فضای مجازی موظف هستند محتوای غیرقانونی را شناسایی و حذف کنند و در صورت قصور، مسئولیت مدنی و کیفری متوجه آنان خواهد بود (قانون جرایم رایانه‌ای، ۱۳۸۸، ص ۱۲) این ماده نشان می‌دهد که قانون‌گذار تلاش کرده است تعادلی میان آزادی بیان کاربران و مسئولیت پلتفرم‌ها برقرار کند، اما عدم تعریف دقیق محتوای غیرقانونی و معیارهای اطلاع‌رسانی، خلأهای اجرایی مهمی ایجاد کرده است که می‌تواند موجب سردرگمی پلتفرم‌ها در اجرای وظایف حقوقی شود. در عمل، فقدان چارچوب مشخص باعث شده است که پلتفرم‌ها در مواجهه با محتوای بحث‌برانگیز، تصمیم‌گیری‌های سلیقه‌ای داشته باشند که ممکن است حقوق کاربران را تضعیف کند و آن‌ها را در معرض ریسک‌های حقوقی قرار دهد. علاوه بر قوانین خاص جرایم رایانه‌ای، اصول ۲۲ و ۲۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز حق آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات را برای شهروندان تضمین کرده‌اند (قانون اساسی، ۱۳۵۸، ص ۱۴). این اصول چارچوبی اساسی برای حفاظت از حقوق کاربران فراهم می‌آورد، اما در عمل، عدم تطابق میان قوانین سنتی و مقررات جدید دیجیتال موجب بروز تعارض‌های حقوقی شده است. به‌ویژه زمانی که محتوای منتشر شده توسط کاربران ناقض حقوق دیگران باشد، پلتفرم‌ها در وضعیت مسئولیت نسبی قرار می‌گیرند و لازم است اقدامات لازم برای حذف یا اصلاح محتوا انجام دهند (جعفری، ۱۴۰۱، ص ۵۵). این تعارض میان آزادی بیان و مسئولیت پلتفرم‌ها، یکی از پیچیده‌ترین چالش‌های حقوقی در فضای دیجیتال ایران است و نیازمند ایجاد معیارهای روشن و قابل اجراست. تحلیل رویه قضایی ایران نشان می‌دهد که دیوان عالی کشور نیز در این زمینه با رویکرد مسئولیت نسبی عمل می‌کند. در رأی شماره ۲۳/۱۲/۹۵، دیوان تصریح کرده است که ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی در صورت عدم اقدام به حذف محتوای مجرمانه پس از اطلاع، مسئولیت کیفری و مدنی دارند (دیوان عالی کشور، ۱۳۹۵، ص ۲۰). این رویه نزدیک به استانداردهای بین‌المللی است که در دکتترین حقوقی نیز پذیرفته شده‌اند با این حال، فقدان سازوکار شفاف برای گزارش‌دهی و رسیدگی به محتوای غیرقانونی، زمان‌بندی نامشخص برای اقدام و عدم تفکیک دقیق مسئولیت میان کاربر و پلتفرم، موجب پیچیدگی بیشتر در اجرای قانون می‌شود. پلتفرم‌ها در چنین شرایطی ممکن است با تأخیر در حذف محتوا یا حتی برخورد‌های سلیقه‌ای مواجه شوند که می‌تواند به تضعیف حقوق کاربران منجر شود و اعتماد عمومی به محیط دیجیتال را کاهش دهد.

از منظر بین‌المللی، مقررات GDPR اتحادیه اروپا به وضوح مسئولیت پلتفرم‌ها را در حفاظت از داده‌های شخصی و مدیریت محتوای غیرقانونی مشخص کرده است (Kuner, ۲۰۱۷, p. ۲۲۵). این قانون بر شفافیت، امنیت پردازش اطلاعات و پاسخگویی پلتفرم‌ها تأکید دارد و تخلف از آن، مسئولیت مدنی و جریمه‌های سنگین به همراه دارد. همچنین EU Digital Services Act چارچوبی جامع برای مسئولیت پلتفرم‌ها در مدیریت محتوای آنلاین ارائه می‌دهد، که پلتفرم‌های بزرگ را ملزم می‌کند سیاست‌های حذف محتوا را شفاف اعلام کنند، گزارش‌های دوره‌ای ارائه دهند و سازوکارهای مؤثر برای رسیدگی به شکایات کاربران ایجاد کنند (Bird LLP, ۲۰۲۰, p. ۳). این مقررات به‌ویژه در تطبیق قوانین داخلی با استانداردهای بین‌المللی برای حفاظت از حقوق کاربران اهمیت دارد و می‌تواند الگویی عملی برای بهبود چارچوب قانونی ایران ارائه کند. تحلیل چالش‌ها و خلأهای قانونی نشان می‌دهد که چند عامل اصلی موجب پیچیدگی مسئولیت پلتفرم‌ها می‌شوند. نخست، تعارض میان آزادی بیان کاربران و مسئولیت قانونی پلتفرم‌ها برای حذف محتوای غیرقانونی است، که گاهی تصمیم‌گیری‌های حقوقی و فنی را دشوار می‌کند (Beduschi, ۲۰۱۹, p. ۴). دوم، عدم تعریف دقیق محتوای غیرقانونی در قوانین ایران موجب شده است تا معیارهای مختلف و تفسیرهای متفاوت از سوی

مراجع قضایی و پلتفرم‌ها ایجاد شود. سوم، خلأ اجرایی و نبود سازوکارهای نظارتی شفاف، از جمله سامانه‌های رسمی گزارش محتوا و زمان‌بندی مشخص برای رسیدگی، مانع اجرای مؤثر مسئولیت‌ها شده است. چهارم، انگیزه‌های اقتصادی و تجاری پلتفرم‌ها گاهی باعث می‌شود که اقدامات مؤثر برای حذف محتوا با تأخیر انجام شود یا فرآیند پاسخگویی به شکایات کاربران ناکارآمد باشد (Zuboff, ۲۰۱۹, p. ۸۸). این چهار عامل در مجموع، نیاز به اصلاحات قانونی و طراحی سیستماتیک را برجسته می‌کند. در راستای پر کردن این خلأها، چارچوب قانونی پیشنهادی می‌تواند شامل موارد زیر باشد: اول، اعمال مسئولیت نسبی شفاف، به نحوی که مسئولیت میان کاربر و پلتفرم تقسیم شود و پلتفرم تنها در صورت اطلاع از محتوای غیرقانونی و عدم اقدام مناسب، مسئول شناخته شود. دوم، ایجاد سامانه شفاف رسیدگی به شکایات، شامل پورتال‌های رسمی برای گزارش محتوا، زمان‌بندی مشخص برای بررسی و حذف محتوا و امکان پیگیری کاربران. سوم، شفافیت و پاسخگویی دوره‌ای، به گونه‌ای که پلتفرم‌ها ملزم باشند گزارش‌های دوره‌ای اقدامات خود را منتشر کنند و اقدامات اصلاحی در صورت قصور قابل پیگیری باشد. چهارم، تطبیق با استانداردهای بین‌المللی، بهره‌گیری از رویه GDPR و EU Digital Services Act برای حفاظت از داده‌ها و حقوق کاربران و همچنین ایجاد هماهنگی میان قوانین داخلی و چارچوب‌های بین‌المللی. این چارچوب، علاوه بر کاهش مسئولیت‌های حقوقی، موجب افزایش اعتماد کاربران و بهبود سلامت فضای مجازی خواهد شد.

بحث و نتیجه گیری

تحلیل و بررسی انجام شده نشان می‌دهد که مسئولیت حقوقی پلتفرم‌های شبکه‌های اجتماعی در انتشار محتوای دیجیتال، موضوعی پیچیده و چندوجهی است که نیازمند تعادل میان حقوق کاربران و مسئولیت ارائه‌دهندگان خدمات می‌باشد. بررسی قوانین داخلی ایران، از جمله قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ و اصول قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸، مشخص می‌کند که قانون‌گذار تلاش کرده است چارچوبی برای مسئولیت پلتفرم‌ها ایجاد کند، اما خلأهایی همچنان باقی است. این خلأها شامل عدم تعریف دقیق محتوای غیرقانونی، نبود سامانه‌های شفاف برای گزارش و رسیدگی و فقدان معیارهای مشخص برای زمان‌بندی حذف محتواست. فقدان این معیارها موجب می‌شود که پلتفرم‌ها در مواجهه با محتوای بحث‌برانگیز، تصمیم‌گیری‌های سلیقه‌ای داشته باشند که نه تنها موجب تضییع حقوق کاربران می‌شود، بلکه ریسک حقوقی آن‌ها را نیز افزایش می‌دهد. بررسی رویه قضایی ایران، از جمله رأی شماره ۲۳/۱۲/۹۵ دیوان عالی کشور، نشان می‌دهد که ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی در صورت قصور در حذف محتوای غیرقانونی، مسئولیت مدنی و کیفری دارند این رویه نزدیک به نظریه مسئولیت نسبی است و با اصول بین‌المللی تطابق دارد. مسئولیت نسبی پلتفرم‌ها به این معناست که آن‌ها تنها در صورتی مسئول شناخته می‌شوند که از محتوای غیرقانونی اطلاع داشته باشند و اقدامی مناسب برای حذف آن انجام ندهند. این رویکرد، تعادل میان آزادی کاربران و مسئولیت پلتفرم‌ها را حفظ می‌کند، اما اجرای دقیق و مؤثر آن به دلیل نقص قوانین و ضعف سازوکارهای اجرایی همچنان با چالش مواجه است. نبود سامانه‌های شفاف برای گزارش محتوای غیرقانونی و عدم تعیین زمان‌بندی مشخص برای حذف محتوا از مهم‌ترین مشکلات اجرایی محسوب می‌شود.

مطالعات بین‌المللی نشان می‌دهد که کشورهای اروپایی با تدوین EU Digital Services Act و مقررات GDPR چارچوب‌های شفاف و مشخصی برای مسئولیت پلتفرم‌ها ایجاد کرده‌اند این قوانین شامل الزامات شفافیت، پاسخگویی و تعهدات مشخص برای مدیریت محتوای دیجیتال و حفاظت از داده‌های شخصی کاربران هستند. بر اساس GDPR،

پلتفرم‌ها موظف‌اند اطلاعات کاربران را با رعایت شفافیت و امنیت پردازش کنند و در صورت نقض، مسئولیت مدنی و جرمه‌های سنگین متوجه آنان خواهد بود. این استانداردها همچنین چارچوبی برای ایجاد سامانه‌های مؤثر رسیدگی به شکایات کاربران فراهم می‌آورد و می‌تواند به عنوان نمونه‌ای عملی برای اصلاح قوانین ایران مورد استفاده قرار گیرد. تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که قوانین داخلی ایران در مقایسه با استانداردهای بین‌المللی همچنان دارای محدودیت‌هایی است. نخست، فقدان تعریف دقیق محتوای غیرقانونی موجب شده تا معیارهای مختلف و تفسیرهای متفاوت از سوی مراجع قضایی و پلتفرم‌ها ایجاد شود. دوم، نبود سامانه‌های رسمی برای گزارش محتوای غیرقانونی و زمان‌بندی مشخص برای رسیدگی، اجرای مسئولیت‌ها را با مشکل مواجه می‌کند. سوم، انگیزه‌های اقتصادی پلتفرم‌ها ممکن است موجب تأخیر در حذف محتوا یا عدم پاسخگویی مؤثر شود. این چالش‌ها نشان می‌دهد که تنها وجود قانون کافی نیست و نیاز به سازوکارهای عملیاتی و سیاست‌های دقیق برای اجرای مسئولیت‌ها ضروری است. در راستای پاسخ به پرسش‌های اصلی تحقیق، می‌توان دریافت که حدود مسئولیت حقوقی پلتفرم‌ها در ایران بر اساس نظریه مسئولیت نسبی شکل گرفته است؛ به این معنا که پلتفرم‌ها تنها در صورت اطلاع از محتوای غیرقانونی و عدم اقدام مناسب مسئول شناخته می‌شوند. با این حال، فقدان تعریف دقیق محتوا و زمان‌بندی مشخص، اجرای کامل مسئولیت را محدود می‌کند. چالش‌های تطبیق قوانین داخلی با استانداردهای بین‌المللی نیز شامل عدم شفافیت، فقدان سامانه‌های رسمی و تفاوت معیارهای حقوقی است. چارچوب قانونی پیشنهادی، شامل تقسیم مسئولیت نسبی، ایجاد سامانه شفاف برای گزارش و رسیدگی، الزامات شفافیت و پاسخگویی و تطبیق با استانداردهای بین‌المللی، می‌تواند راهکاری جامع برای حفاظت از حقوق کاربران و مسئولیت پلتفرم‌ها فراهم آورد.

اجرای چارچوب پیشنهادی دارای پیامدهای حقوقی و اجتماعی متعددی است. نخست، حقوق کاربران تقویت می‌شود و آن‌ها قادر خواهند بود از حقوق خود برای حذف یا اصلاح محتوای غیرقانونی بهره‌مند شوند و تضمین شفافیت در فرآیند رسیدگی داشته باشند. دوم، پاسخگویی پلتفرم‌ها افزایش می‌یابد؛ الزام به ارائه گزارش‌های دوره‌ای و شفافیت در سیاست‌ها، مسئولیت پلتفرم‌ها را تقویت می‌کند و زمینه کاهش انتشار محتوای غیرقانونی فراهم می‌شود. سوم، تعارض میان آزادی بیان و مسئولیت قانونی کاهش می‌یابد؛ تعریف دقیق مسئولیت نسبی موجب می‌شود که هم حقوق کاربران حفظ شود و هم پلتفرم‌ها در معرض ریسک‌های غیرضروری قرار نگیرند. چهارم، سیاست‌گذاری قانونی بهبود می‌یابد؛ قانون‌گذاران می‌توانند با استفاده از چارچوب پیشنهادی، اصلاح قوانین و تدوین مقررات جدید را با دقت و کارآمدی بیشتری انجام دهند.

پیشنهادها و عملیاتی نیز شامل اقدامات مشخصی برای گروه‌های مختلف است. برای قانون‌گذاران، اصلاح ماده ۲۵ قانون جرایم رایانه‌ای و تدوین مقررات تکمیلی برای تعریف دقیق محتوای غیرقانونی، زمان‌بندی حذف محتوا و مسئولیت نسبی ضروری است. برای پلتفرم‌ها، ایجاد سامانه‌های شفاف رسیدگی به شکایات کاربران، انتشار سیاست‌های حذف محتوا، آموزش کارکنان و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین مدیریت محتوا پیشنهاد می‌شود. برای پژوهشگران، تحلیل تطبیقی قوانین داخلی و بین‌المللی، بررسی تجربه کشورهای دیگر و ارائه راهکارهای نوین برای حفاظت از حقوق کاربران و ارتقای پاسخگویی پلتفرم‌ها ضروری است.

۱. فارسی

مقالات

- حسامی، م. (۱۴۰۲). بررسی مسئولیت مدنی پلتفرم‌های آنلاین در قبال نقض حریم خصوصی کاربران در حقوق ایران. پژوهش‌های حقوقی، ۲۹(۴)، ۵۶-۷۳.
- علی‌زاده، ف. (۱۴۰۲). چالش‌های حقوقی مسئولیت پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی در ایران. فصلنامه حقوق فضای مجازی، ۱(۲)، ۲۳-۴۵.
- اسدپور، میلاد (۱۴۰۳). بررسی ابعاد حقوقی و مدنی مسئولیت پلتفرم‌های آنلاین در قبال خسارات کاربران. ششمین همایش ملی پژوهش‌های حرفه‌ای در روانشناسی و مشاوره با رویکرد از نگاه معلم.
- حسام، ابوالفضل (۱۴۰۰). مسئولیت مدنی پلتفرم‌های آنلاین ناشی از نقض حریم خصوصی اطلاعاتی از سوی کاربران؛ مطالعه تطبیقی در ایران، آمریکا و اتحادیه اروپا. پژوهش‌های ارتباطی، دوره ۲۸، شماره ۱۰۷.
- رمضانیان سیاهکلرودی، م. (۲۰۲۰). خدمات اینترنتی و مسئولیت مدنی واسطه‌ها در نقض حقوق مالکیت معنوی کاربران. فصلنامه پژوهش‌های حقوقی، ۲۱(۴).
- غلامی، س. م. م. (۲۰۲۳). چالش‌های قانون‌گذاری حقوق کاربران در فضای مجازی. مجله حقوقی دانشگاه آزاد اسلامی، ۲۳.

اسناد قانونی

- قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸. (۱۳۸۸). تهران: سازمان چاپ و نشر قوانین.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۵۸). تهران: سازمان چاپ و نشر قوانین.
- دیوان عالی کشور. (۱۳۹۵). رأی شماره ۲۳/۱۲/۹۵. تهران: مرکز پژوهش‌های حقوقی.

۲. انگلیسی

Books

- Floridi, L. (۲۰۱۹). *The Ethics of Artificial Intelligence*. Oxford: Oxford University Press.
- Kuner, C. (۲۰۱۷). *The General Data Protection Regulation: A Commentary*. Oxford: Oxford University Press.
- Zuboff, S. (۲۰۱۹). *The Age of Surveillance Capitalism: The Fight for a Human Future at the New Frontier of Power*. PublicAffairs.

Article

- Beduschi, A. (۲۰۱۹). Digital identity: Contemporary challenges for data protection, privacy and non-discrimination rights. *Big Data & Society*, ۶(۲), ۱-۶.
- Belk, R., Humayun, M., & Brouard, M. (۲۰۲۲). Money, possessions, and ownership in the Metaverse: NFTs, cryptocurrencies, Web ۳ and Wild Markets. *Journal of Business Research*, ۱۵۳, ۱۹۸-۲۰۵.
- Bernal Bernabe, J., Canovas, J. L., Hernandez-Ramos, J. L., Torres Moreno, R., & Skarmeta, A. (۲۰۱۹). Privacy-Preserving Solutions for Blockchain: Review and Challenges. *IEEE Access*, ۷, ۱۶۴۹۰۸-۱۶۴۹۴۰.
- Calo, R. (۲۰۱۶). Robotics and the Lessons of Cyberlaw. *California Law Review*, ۱۰۳(۳), ۵۱۳-۵۶۳.
- Cheong, B. C. (۲۰۲۲). Avatars in the metaverse: potential legal issues and remedies. *International Cybersecurity Law Review*, ۳(۲), ۴۶۷-۴۹۴.
- Dremluga, R., Dremluga, O., & Iakovenko, A. (۲۰۲۰). Virtual Reality: General Issues of Legal Regulation. *Journal of Politics and Law*, ۱۳(۱), ۷۵-۸۱.
- Hassan, M. (۲۰۲۲). Legal Liability of Social Media Platforms: A Comparative Study between Iran and the EU. *Journal of Internet Law*, ۲۸(۴), ۵۶-۷۳.

Kumar, R., & Singh, A. (۲۰۲۳). Platform Liability in the Digital Age: Challenges and Legal Frameworks. *International Journal of Cyber Law*, ۱۵(۲), ۲۳-۴۵

Zhang, L. (۲۰۲۴). Regulating Online Platforms: A Comparative Analysis of Legal Approaches. *Global Internet Policy Review*, ۱۰(۱), ۱-۲۳